

سلاح‌هایی از نور و فرّ

«بررسی موردی ستاره‌های هشت ضلعی آئینه‌ای در نگاره‌های شاهنامه صفوی والترز»

ناهدید جعفری دهکردی^۱، خشایار قاضی زاده^۲

^۱ کارشناس ارشد هنرهای اسلامی گرایش نگارگری، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

^۲ استادیار دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۲/۳، تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۱۰/۲۳)

چکیده

حرمت تصویرگری جانداران، موجب اعتلای هندسه اسلامی گردید؛ زمانی که تصویرسازی قرون وسطی به باروک منتهی می‌شد، هنر اسلامی به نقش‌ونگارهای آئینه‌کاری‌ها سوق پیدا می‌کرد. امتزاج آئینه‌کاری با نقوش هندسی و مشبک پنجره‌ها، روزن‌ها و درب‌ها، باعث نمی‌شد بیننده از ورای آنها به جهان بی‌روح، هندسی نگاه بیندازد، بلکه همان جهانی بود که در نگاه عارفانه شرقی، تجلی حضور ملامال و معطر یزدان بود. نگاه معناشناختی به این اشکال را می‌توان فلسفه مستتر در نهان و نهاد هندسه دانست که غیر از هندسه ایرانی-اسلامی، کمتر سراغی از آن را می‌شود در هنر سایر نقاط جهان یافت. این جستار تلاش دارد با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای، به شناسایی رموز به‌کاررفته در نقش هندسی ستاره هشت‌پری بپردازد که در نگاره‌هایی از شاهنامه W ۶۰۲ موزه هنر والترز به‌عنوان سلاح و سپر رزم‌آوران دیده می‌شود. فارغ از کارکرد نظامی ستاره هشت‌پر، این نماد در هندسه اسلامی، دارای مفهوم معنوی بوده و نماد یادشده، جدای از کارکرد فیزیکی خود، به‌عنوان سلاحی که از نور بهره می‌گرفت، در هندسه اسلامی، تلاشی برای بُعدی به انوار ساطعه خورشید حقیقت و تکاپویی برای انجماد انوار فرّار زمان و غلبه بر گذار آن نیز بوده است. خورشیدی که در اندیشه اسلامی، هم‌قرینگی ماوراءطبیعی با حقیقت ازلی داشته و دارد.

واژه‌های کلیدی

شاهنامه W ۶۰۲، ستاره هشت‌پر، مفاهیم نمادین، هندسه اسلامی، سلاح‌های نوری، آئینه.

مقدمه

از این موضوعات از چشم مصنوعی، پویانمایی، لقاح مصنوعی، هواپیما، عمل جراحی رستمنه^۱ و سرانجام سلاح‌های نوری را می‌توان برشمرد که راه پررمز و راز خیال را تا یافتن عینیت آزموده بوده‌اند. به‌طور مثال، در برخی نگاره‌های ایرانی، ما به قطعات هندسی‌ای ملصق به لباس سپاهیان برمی‌خوریم که هنرمند در نمایاندن آن اصرار ویژه‌ای داشته است. این قطعات هندسی که غالباً به شکل ستاره‌های هشت‌پر هستند، اغلب بر روی سینه (و غالباً روی قلب) سپاه دیده می‌شوند. این ستاره‌ها، نشان پیروزی و قدرت سپاهیان شمرده می‌شود و آنگاه هم که هنرمند، یک سپاهی را در حال شکست نمایش می‌دهد، ستاره وی را افتاده بر زمین تصویر می‌کند؛ گویانکه، این همان ستاره بخت افول کرده‌ای است که در فرهنگ عامه از آن سخن می‌رود. به موازات این نگاره‌ها، ما در خلال متون ادبی فارسی نیز اشاراتی به نوعی از سلاح‌ها می‌یابیم که کارکرد آنها با نور تعریف می‌شده است. این سلاح‌ها با اسامی گوناگونی معرفی شده‌اند؛ اما «چارآیینه»، اصطلاحی رایج و پرکاربرد برای این اشیاء است. این‌که نقش هندسی ستاره هشت‌پر منور، بر چه اساس و سنتی به البسه نظامیان نصب گردیده و هدف نگارگر از ترسیم آن، چه بوده، مسئله‌ای است که این پژوهش بدان می‌پردازد.

اولین کسی که در تاریخ از نور خورشید برای اهداف نظامی استفاده کرده، ارشمیدس بود. گفته می‌شود وی با تمرکز پرتو خورشید در آیینه‌های مقعر بزرگ و بازتاباندن آن به سوی جبهه دشمن، امکان هرگونه کنش و واکنشی را از آنان صلب می‌کرده است (دورانت، ۱۳۳۷، ۷۰۵). شاهنامه W۶۰۲ موزه هنر والترز، یکی از مهم‌ترین منابعی است که نگاره‌هایی را با موضوع مورد نظر در خود دارد. در واقع غالب نگاره‌های موجود در این نسخه، دارای نقوش موسوم به چارآیینه می‌باشند. ما در اینجا، ضمن معرفی نسخه مورد اشاره، موضوع کاربرد ستاره‌های هشت‌پر در فرهنگ اسلامی و کارکرد چارآیینه‌ها در صحنه‌های نبرد ترسیم شده در این نسخه را به استناد شواهد ادبی و تاریخی، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در دوران اسلامی با توجه به پیشرفت ریاضیات، هندسه به‌عنوان بخش لاینفک هنر نمود پیدا کرد چراکه اشکال و ساختار هندسی با مفاهیم نمادین کیهانی و فلسفی‌شان، ارتباط مخاطب را با معبود، بارز و هویدا می‌نمایند (ویلسون، ۱۳۷۷، ۲۱). پرواضح است که رشد و اعتلای هندسه و تحمیل بار عرفانی بر آن، مبتنی بر سخت‌گیری جزم‌اندیشان دینی بوده است که تا حد ممکن، راه را بر آزمون هر نوع نگارگری و چهره‌پردازی در قلمرو خود می‌بسته‌اند. هرچند که این سد در برابر ذوق سرشار اصحاب هنر تاب مقاومت نیاورد و راه را بر خلق آثار هنری گوناگونی باز نمود، اما «هندسه معنوی» در راهی افتاده بود که به سوی غنا و تکامل پیش رفت و تمام محیط‌های مذهبی را در زیر تابش پرتو خود گرفت.

اصولاً علوم محض به‌سختی تن به همگونی با جهان بینی‌های مختلف می‌دهند و انتظار ظهور شاخه‌هایی مثل ریاضیات و فیزیک با پسوند‌های معناگرایانه، اندکی دشوار بوده و تجربیاتی از این‌گونه نیز که در دوره سیطره حکومت‌های ایدئولوژیک قرن بیستمی وجود داشت، تاب برون آمدن از بوته انتقادات را نداشتند و پس از چند صباحی رنگ باختند. اما هندسه در این میان از سرشتی متفاوت برخوردار است. این شعبه از دانش، از همان اوایل شکل‌گیری خود، در ساختمان فکری فیثاغورث و افلاطون و دیگر فلاسفه جهان باستان، حامل باری معنوی انگاشته می‌شد. در عالم اسلام نیز به دلایلی که گفته شد، هندسه به‌عنوان دانشی مقدس قرار گرفت و آراستار فضاهای قدسی و معنوی گردید و حتی گاهی نمادی از ژآی‌زدی نیز تصور شد.

در جهان مدرن کنونی که به مدد جادوی سینما محصول تمدن غربی انگاشته می‌شود، ممکن است یک تخیل یا همان فانتزی سینمایی، غرب را پیش‌تاز تصورات ذهنی بینگارد که در آینده دست‌ما به اختراعات بعدی خواهند شد. غافل از این‌که اقسام گوناگونی از این اختراعات، از قرن‌ها یا هزاره‌ها قبل در مخیله فکر شرقی در انتظار ورود به عالم واقع نشست‌ه بوده‌اند. فهرست طولیلی

شاهنامه نسخه W۶۰۲ موزه والترز

گران‌قدر ایرانی به خود می‌بالیدند (آژند، ۱۳۸۵، ۳۰). نگارگری دوره شاه‌عباس در قالب مکتب جدیدی به‌نام مکتب اصفهان تبلور یافت. باین‌همه تأثیر این نگرش به ده سال قبل و درست به مکتب قزوین برمی‌گردد. در واقع، تغییر دیدگاه هنرمندان، تقریباً مقارن با مرگ این پادشاه شروع شد (کن‌بای، ۱۳۹۱، ۹۸).

از جمله نسخ مصور شده در مکتب هنری دوره شاه‌عباس، شاهنامه‌ای موجود در موزه والترز آمریکا^۲ به شماره W۶۰۲ است که قدمت آن به سال ۱۰۲۸ ه.ق / ۱۶۱۹-۱۶۱۸ م می‌رسد. چنان‌که از محتویات نسخه برمی‌آید، این کتاب به هیچ‌حامی و ممدوحی

در عصر صفوی، با پیدایش مکاتب هنری تبریز، قزوین و اصفهان، توجه ویژه‌ای به شاهنامه‌نگاری شد. در این مکاتب، نسخه‌های گوناگونی از شاهنامه، آراسته به نگاره‌های جذاب و دلنشین شیوه‌های سنتی ایرانی پدیدار شدند که با ایدئولوژی و فرهنگ آن (ایرانی- شیعی) زمانه، در ارتباط تنگاتنگ بودند.

در این دوره، شاهنامه وسیله‌ای برای بیان عقاید و اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی صفویان برای توده مردم می‌شد. شاهدگان و بزرگان، برای کتاب‌آرایی شاهنامه، به چشم‌وهم‌چشمی و رقابت باهم می‌پرداختند و از داشتن نسخه‌ای نفیس از حماسه

اردلان و بختیار، ۱۳۹۰، ۵۷). بنابراین شکل ستاره هشت‌پر و عدد هشت در دین اسلام می‌تواند از جنبه‌های فکری مقدسی بهره گرفته باشد که هنرمند به واسطه آنها می‌توانسته به نوعی جلوه‌های نمادین ذهنی را هویدا نماید.

در اواسط و اواخر دوره صفوی، اشکال هندسی هشت‌ضلعی به‌وفور در همه‌جا دیده می‌شود. این آرایه‌ها را نه تنها در نقوش هندسی و آرایه‌های معماری مسجد شیخ صفی‌الدین اردبیلی می‌توان دید؛ بلکه بنا به گزارش آدام اولناریوس^۴ نویسنده و مسافر آلمانی که در دوره صفوی به ایران سفر کرده بود، ایرانیان سنگی [مُهری] داشتند، که هنگام اقامه نماز، آن را بر زمین گذارده و با پیشانی خود آن را لمس می‌کردند؛ شکل این مهر معمولاً به صورت هشت‌گوشه بوده است (رضوی، ۱۳۹۴، ۳۵).

با همین زمینه اعتقادی و فرهنگی بود که سپاهیان برای تأثیرگذاری بردشمنان خود و برخورداری از یمن و برکت این ستاره‌ها، آنان را بر لباس خود الصاق می‌کردند که ما به واسطه هنر نقاشان معاصرشان، می‌توانیم تصور آنان را از این قطعات فلزی، مورد ارزیابی قرار دهیم. تقریباً در جای‌جای این نسخه، هر جا که موضوع رزم و

منتسب نشده و تنها همین را می‌دانیم که نمونه‌ای از آثار هنری هرات است. جلد کتاب، الحاقی در اندازه ۳۶/۵×۳۵/۵ سانتیمتر هست و از فن نقاشی لاک‌ی برخوردار است؛ که تاریخ آن به قرن ۱۳ ه. ق / ۱۹ م. و دوره قاجار می‌رسد. نسخه، دارای ۱۰۷۶ ورق کاغذی به رنگ نخودی در ابعاد ۳۲/۵×۱۹ سانتیمتر با مضمون اساطیری، پهلوانی و تاریخی است؛ که از بین آنها، ۸۳ صفحه مصور می‌باشد. خوشنویسی این شاهنامه در کتیبه‌های عنوانین داستان‌ها، رنگی‌نویسی بوده و متن، با مرکب سیاه و به خط نستعلیق به رشته تحریر درآمده است. نام خطاط در صفحات آخرین‌گونه بیان شده است: «کتبه محمد بن میر محمد الحسینی استادی غفر ذنوبه و ستر عیوبه فی سنه ۱۰۲۸».^۳

سپر نظامی نگاره‌ها

مثلث، مربع و یا هر شکل دیگر هندسی، علاوه بر فرم ظاهری، واقعیتی در خود دارند که درک آنها به وسیله تأویل، انسان را به دنیای تشابهات و تمثیل و درنهایت به حقیقت سوق می‌دهد



تصویر ۱- گردن زدن سیاوش محل نگهداری موزه والترز. شماره اثر W602.000280 و جزئیات سپر نصب شده. http://www.thedigitalwalters.org/Data/WaltersManuscripts/W602/data/W.602/sap/W602.000280_sap.jpg (ماخذ: ر)



تصویر ۲- کشتن مهرک توسط اردشیر محل نگهداری موزه والترز شماره اثر W602.000924 و جزئیات سپر نصب شده. http://www.thedigitalwalters.org/Data/WaltersManuscripts/W602/data/W.602/sap/W602.000924_sap.jpg (ماخذ: ر)

کنند. آئینه با بازتاباندن نور در چشم رقیب مقابل و یا اسب وی، می توانست در وارد کردن ضربه کاری یا گریزاندن وی، بخت بیشتری به یک سپاهی بدهد. این آئینه ها که برخلاف آئینه های امروزی از جنس فلزی بودند، هم زمان می توانستند نقش سپر را هم بر عهده بگیرند. نمونه های بازمانده از آئینه های جنگی قدیمی و یا تصاویر آنها، نشان می دهد که آئینه های استفاده شده بر روی پوشاک نظامیان، معمولاً به شکل چهار قطعه آئینه مجزا از هم بوده که بر روی شکم، پهلوها و پشت سربازان نصب می شده است. این نوع از آئینه ها، به نام خاص چارآئینه یا چهارآئینه شناخته می شده اند.

علامه دهخدا در ذیل لغت چهارآئینه می گوید:

نوعی جامه جنگ که سابقاً به هنگام رزم آن را می پوشیدند و آن دارای چهار قطعه آهن صیقلی شده و آئینه مانند بود، که در پیش سینه قرار می گرفت (به نقل از: فرهنگ فارسی معین)، سینه بند، گویا مال سینه تنها بوده است:

چو بندد چهارآئینه در نبرد / نماید از آن حسن کردار مرد (میرزا طاهر وحید)

و همچنین در ذیل لغت چارآئینه چنین می افزاید:

یکی از پوشش های جنگجویان قدیم. نوعی از اسلحه و این عبارت از چهار پاره آهن پهن باشد که در زره بر سینه پیوند کنند (به نقل از: آندراج). نوعی از لباس جنگ که چهار تخت از آهن ساخته و در مخمل گرفته گرد پشت و سینه کشند (به نقل از: ناظم الاطباء).

ز بس میدان کین از حملات شد تنگ بر اعدا

نگنجد عکس در آئینه چارآئینه داران را (واله هروی؛ به نقل از آندراج)

آماده جنگ است شب و روز به عاشق

چارآئینه آئینه آن ترک جفاجوست (رایج، به نقل از: آندراج) ۶
نوع ویژه ای از آئینه ها که در شاهنامه نسخه مورد نظر ما بسیار نمایان است، قطعات آئینه ای با اشکال منظم هشت ضلعی بوده اند که بر روی سینه نظامیان می چسبیده اند. این نوع، تفاوت اندکی با چارآئینه های دارای نماد ستاره داشت و مرکز برخی از اینها



تصویر ۴- زره متعلق به تزار الکسی میخالوویچ موزه مسکو که از چهارآئینه های هشت پرو هشت گوش ایرانی- هندی مایه گرفته است.

ماخذ: <http://swordmaster.org/2012/12/31/russkie-dospehi-i-oruzhie.html>

آوردگاه در میان است، می توان این ستاره ها را بر روی سینه سربازان مشاهده کرد. از میان ۸۳ نگاره شاهنامه یاد شده، در ۵۰ مورد از آنها (یعنی بیش از ۶۰٪ نگاره ها)، شخصیت های رزمی و حماسی مزین به این نقش می باشند (تصاویر ۱ و ۲). شکی نیست که در زمان کتابت این نسخه، استفاده از این نماد در میان رزم آوران، امری رایج بوده و بخشی از پوشاک همسانه سپاهیان را تشکیل می داده است.

سپاهیان در این نگاره ها، اگرچه در سایر خصوصیات ظاهری و شکل ابزار و پوشاک باهم متفاوت اند، اما در اغلب موارد، نصب ستاره را بر روی لباس خود فراموش نکرده اند. چنان که برمی آید، این ستاره ها ممکن است اشیایی در حکم تعویذ یا ستاره بخت محسوب می شده اند؛ اما دوره استفاده گسترده از آنها، گویا چندان طولانی نبوده و همانند سکه هایی که در زمان قدرت یک حاکم کاربرد می داشتند، استفاده از آنها پس از یک دوره ای محدود شده است. باین حال، اشکال متفاوتی از آنها همچنان کاربرد خود را تا سده ها حفظ کرده بوده اند؛ به طوری که، تعدادی از این اشکال را امروزه در موزه های بزرگ جهان می توان مشاهده نمود. وجود نمونه هایی از سپرها یا چهارآئینه های هشت گوش و هشت پر در موزه متروپولیتن^۵ (تصویر ۳) و موزه مسکو (تصویر ۴) و دیگر موزه ها و مجموعه ها، نشان از آن دارد که نمادهای مشهود در نگاره های نسخه مورد اشاره، کاربرد عملی داشته و چیزی فراتر از تزئینات هنرمند نگارگر بوده است.

چهارآئینه ها، اسلاف سلاح های نوری

آئینه به سبب درخشندگی و تالو خود، همیشه مورد توجه هنرمندان بوده است. آن را به صفای درون و پاکی نفس انسانی و صداقت مثال زده اند. یکی از غریب ترین و شگفت انگیزترین کاربردهایی که برای آئینه وجود داشته، کاربرد نظامی آن بوده است. بدین نحو که با تعبیه آئینه هایی در قطعات و اشکال منظم و بعضاً با قطعات شکسته بر روی لباس نظامیان یا بر روی برگستوان (زره اسبان یا چهارپایان جنگی)، سعی می کرده اند در دید دشمن اختلال ایجاد



تصویر ۳- چهارآئینه موجود در موزه هنری متروپولیتن نیویورک، ایران یا هند. تاریخ: اوایل قرن ۱۷ میلادی.

ماخذ: <http://www.metmuseum.org/art/collection/search/35949>

مهمی بوده و در بابل نیز، عدد خاص خدایان به شمار می‌رفته است (شیمل، ۱۳۹۵، ۱۰۷).^۸ در آیین زرتشت ستون هشت‌پرو سرسرای هشت‌گوش در بنای آتشکده به‌کار می‌رفت و آن را عددی مبارک می‌دانستند. در ایران باستان، آن‌ها یا الهه آب با تاجی هشت‌پر تصویر می‌شده است (اوستا، بی‌تا، ۱۲۸).^۹ ایشتار، الهه بین‌النهرینی، که با سیاره ونوس یکی دانسته شده، به صورت یک ستاره هشت‌پر نشان داده می‌شد که دلالت بر الوهیت وی دارد علاوه بر این ستاره‌ای که مجوسان ایرانی را به بیت لحم رهنمون نمود، همان سیاره ونوس یا ناهید، دارنده تاج هشت‌ضلعی بوده است (هال، ۱۳۹۴، ۲۰۹-۲۱۰).

در مورد تقدس این عدد در دین اسلام نیز احادیث و روایاتی ذکر شده است. از جمله این‌که خداوند در آیه ۱۷ سوره مبارکه حاقه، اشاره به هشت فرشته‌ای دارد که عرش لایزال الهی را حمل می‌کنند.^{۱۰} در حدیثی از امام محمد باقر (ع) نقل شده است که بهشت هشت در دارد و فاصله زمانی هر یک از درها پیش مدت چهل سال است.^{۱۱} در تفاسیر نیز هشت‌بهشت، هشت درب بهشت - که در عرفان درب توبه و انابه و درب همیشه باز خوانده شده است^{۱۲} (امامی، ۱۳۸۱، ۶۳) - بر مبنای انگاره قداست هشت بنیان نهاده شده‌اند. علاوه بر این، وقتی پیامبر (ص) عروجش به آسمان را تشریح می‌کردند، سخن از گنبد صدفی شکل عظیمی می‌راندند که بر مربعی تکیه داشت و بر چهارستون چهارگوشه‌اش که رمز چهاربخشی قرآن کریم «بسم الله الرحمن الرحیم» نوشته شده بوده، از آنها چهار رودخانه سعادت جاودانی جاری بوده است. گنبد بر مربعی تکیه داشته و یک هشت‌ضلعی مابینشان قرار می‌گرفت که نماد هشت فرشته حاملان عرش می‌باشد (اردلان و بختیار، ۱۳۹۰، ۶۱). این عدد بر هشتمین مرحله سلوک نیز تأکید دارد (کیانمهر و خزایی، ۱۳۸۵، ۳۵). نگاه طبیعیون و فلاسفه به این شکل و نماد می‌توانست اندکی متفاوت از نگاه عرفا، ولی در عین حال مکمل دیدگاه آنان باشد. این شکل ستاره‌ای از دو مربع^{۱۳} متداخل در یکدیگر تشکیل می‌شده، مربع اول نمادی از عناصر چهارگانه طبیعت (ضلع بالا: هوا، پایین: خاک، راست: آب، چپ: آتش) و مربع دوم تعبیری از جهات



تصویر ۵ - آیین‌های به‌کاررفته در البسه نظامیان شاهنامه ۷۶۰۲ موزه والترز.

را با دعا یا متون مقدس زینت می‌دادند. ادعیه و اذکار موجود بر روی چارآیین‌های به‌جامانده، نقش آنها را از ابزار نظامی صرف به ابزاری نمادین و آیینی فراتر می‌برد. در واقع چارآیین‌های یادشده، دارای کارکردهای گوناگونی بوده‌اند. این‌گونه از آیین‌ها، هم‌زمان حامل نور به جهت تابندگی آیین، فز و بخت به جهت میمنت ستاره هشت‌گوش، تقدس به لحاظ داشتن متن ادعیه و کلام الهی یا سخنان مقدسین بوده و در عین حال به لحاظ جنس فلزی خود و جایگاه قرارگیری‌اش بر روی لباس، نقش سپر قلب را بازی می‌کرده و افزون بر همه اینها، نمادی برای شناسایی طرفین در میدان نبرد نیز بوده‌اند (تصویر ۵).

در شناخت ارزش معنوی چارآیین‌ها، باید به جایگاه و مفهوم معنوی نور در آیین اسلام توجه داشت. استفاده از نور به عنوان سلاح و یا قدرت بازدارندگی، می‌توانست مفهوم نبرد روشنایی علیه تاریکی را باز نمود کند. پیکار نور و تاریکی، از بنیادهای اساسی فلسفه آیین‌های ایرانی زرتشتی و مانوی نیز محسوب می‌شد و در دین اسلام هم به آن توجه خاصی شده بود. در اسلام، این نور همان زیوری است که خداوند در شکل‌گیری جهان به‌کار برده و در یک نبرد ایدئولوژیک، بر سینه مجاهدان رسم می‌گردیده است. به بیان دیگر، این نماد نشانی است در همراهی جنگجو با نور لایزال حق. از این منظر می‌توانیم هم‌نشینی نقش خورشید در قالب ستاره‌ای هشت‌گوش را در آیین‌ها یا چهارآیین‌های سپاهیان مسلمان بهتر درک کنیم. افزارمند خردگرا می‌خواستند که فر ایزدی و نور ایزدی خورشید را در قالبی فلزین و مقدس اسیر کند که برای لحظاتی پردلهره ساخته شده بود. قلبی که زیر چارآیین می‌تپید، با همه توان و همتی که به آوردگاه آورده بود، باز چشمی به آسمان و رجا به جایی مقدس داشت که بالاتر از آن را در نظام هستی نمی‌توانست متصور باشد. بدین گونه درک شعر خاقانی ساده می‌نماید که آیین موجود بر روی درع را با فر ایزدی مرتبط می‌داند:

رخ ز خنجر زحل ساخته آینه‌های درع او، فرو بهای ایزدی
(خاقانی، ۱۳۸۸، ۴۶۵)

با این باور و زمینه فکری، هنرمند ابزار و سپر دست‌ساز نظامی خود را مزین به رنگ درخشان و خالص طلا و نقره می‌نموده و با به‌کارگیری این رنگ‌های پرفروغ در تزیینات البسه و همچنین منورکردن نشان‌های نظامی الصاق شده بر روی آنها، به صورت کاملاً نمادین با این الوان کار می‌کرده است.^{۱۴}

عدد هشت و ستاره هشت‌پر

جدای از همه کارکردهای نظامی و نمادینی که درباره ستاره‌های هشت‌پر ذکر شد، باید تعداد اضلاع این ابزارها را نیز در نظر گرفت. در سطح جهانی، عدد هشت و ستاره هشت‌پر در غالب ادیان و فرهنگ‌ها از قداست خاصی برخوردار بوده است.

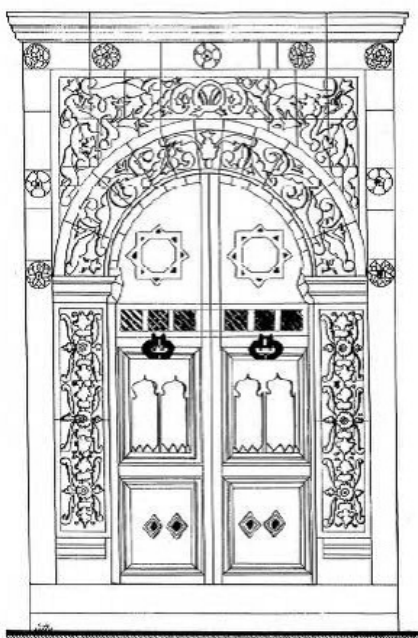
هشت، عدد رمزی خورشید در سراسر اروپا، آسیا و آفریقا است (ژیران، ۱۳۷۵، ۱۳). در عهد باستان، هشت عدد سعد و

نگاره‌ای از نسخه یادشده، گواه آن است که این قطعات فلزی گاهی از ترکیب دو آیینه فلزین مربع شکل ساخته می‌شده است (تصویر ۶).

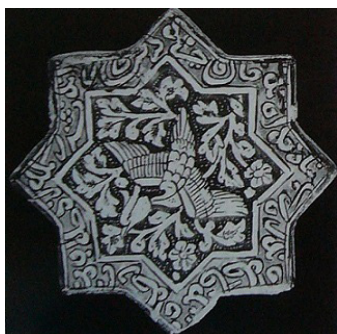
استعمال ستاره زیبای هشت‌پر در جهان اسلام را شاید بتوان



تصویر ۹- نقش ستاره بر روی سپری از نپال.
ماخذ: (<https://www.bibliotecapleyades.net>)



تصویر ۱۰- درب مسجد شایب العین در طرابلس لبنان.
ماخذ: (بی‌نام، ۱۹۹۸، ۵۲).



تصویر ۱۱- سفال زرین فام ایرانی مربوط به قرن ۱۴م/ ۸۰ ه.
ماخذ: (پورتر، ۱۳۸۱، ۵۴)

چهارگانه (شرق، غرب، شمال و جنوب) تلقی شده و ستاره را نمادی از امتزاج عناصر و جهات جلوه می‌داده است. از سویی نیز می‌توان چنین پنداشت که ستاره موجود، از هم‌نشینی مطابق چهار عنصر اصلی زمینی و صور آسمانی و روحانی همین عناصر بر روی هم و چرخش جبری آن در گردونه زمان پدید آمده است. چیزی که ما را به مفهوم ستیز دائمی خیر و شر زرتشتی و مانوی و حتی نماد چینی بین و یانگ نزدیک می‌سازد. یک چارآیینه فروافتاده به زمین در



تصویر ۶- کشتن اسفندیار توسط رستم محل نگهداری موزه والترز شماره اثر W602-000809 و جزئیاتی از نقش ۲ مربع بر روی زمین.

ماخذ: (<http://www.thedigitalwalters.org/Data/WaltersManuscripts/W602/>)
(http://data/W.602/sap/W602-000809_sap.jpg)



تصویر ۷- سرباز مقدونی در حال پیکار با سپری منقش به نقش خورشید.
ماخذ: (<http://history-of-macedonia.com/sun-of-vergina>)



تصویر ۸- قایقرانی با سپری منقش به نماد خورشید در یک سنگ نگاره سوئدی از عصر حجر.
ماخذ: (<http://natmus.dk/historisk-viden/danmark/oldtid-indtil-aar>)

دشمن نیز رایج بوده است. نقش‌های یادشده می‌توانسته به دشمن چنین القا کند که هم‌اورد او، فردی بختیار و حامل فرو خجستگی ایزدی است که سرنوشت جنگ را به سود او رقم خواهد زد. نقش خورشید را می‌توان در نقوش سپرهای یونان باستان و در مقدونیه نیز تبارشناسی کرد (تصویر ۷) و حتی یکی از نقوش بازمانده از عصر حجر در سوئد، در میان قایقرانان فردی را با سپری خورشیدنقش در دست، نشان می‌دهد که آن را می‌توان نخستین نمونه از چارآیین‌های متداول در ایران سده‌های میانه دانست (تصویر ۸). همچنین نظایر این کارکرد و تقدیس را در نقوش و نگاره‌های بی‌شماری در مقاطع مختلف تاریخی در اقصی نقاط جهان می‌توان برشمرد (تصاویر ۹ و ۱۰).

در تقابل با ستاره شش‌پر داوود یا ستاره بنی‌اسرائیل دانست که مسلمانان به استفاده از نماد ستاره شش‌پر، به بار قومی و کابالیستی آن تن نداده و نقش و شکل موجود را متداول کرده باشند و یا حتی می‌توان آن را برداشتی انتزاعی از نماد گردونه مهر یا همان صلیب شکسته دانست که در سرتاسر شرق باستان استفاده می‌شد و متأسفانه زمانی به لوٹ نازی‌گری آلوده شد.

در خارج از جهان اسلام و پیش از آن هم سپرهایی وجود داشته‌اند که در آنها از اشکال خورشید و ستاره استفاده شده و حتی عدد هشت نیز در شعاع‌ها و اضلاع آنها مورد توجه بود. در عصر باستان، استفاده از نقره برای درخشندگی سپرها به منظور بازتاب نور و اختلال در دید

نتیجه

از رویارویی دو حریف شود؛ و شگفت این‌که، همه این خصوصیات را با دین و معنویت از زرتشتی و مانوی تا اسلام مرتبط می‌کرد. نمادها و نشان‌های عصر ایلخانی، از جنبه‌ای قابل بررسی و توجه هستند که مغولان با هژمونی قومی خود در مناطق تحت استیلا، در انتخاب نمادها و نشان‌های رایج در دوره‌های پیش از خود، به سنت شکنی‌های گسترده می‌پرداختند. آنها خود را محق می‌دانستند که یک نماد محلی مانند همین ستاره هشت‌گوش یا شمسه ایرانی را در سازمان دهی سپاه خود به‌کارگیرند و یا نمادی مانند تصویر اژدها را برای پرچم خود استفاده کنند. در خلال مینیاتورهای عصر ایلخانی و تیموری به کرات می‌توان این نمادها و ابزارها را مشاهده کرد و شاهنامه والترز ۶۰۲، از این نظریک منبع بسیار مهم تلقی می‌شود. نگاره‌های این شاهنامه، یک استناد برای شواهد ادبی فارسی، یک مدرک قابل اتکا برای اطلاعات موزه‌شناسی و سرانجام، یک منبع مهم برای مطالعات مردم‌شناسی می‌باشد.

باید اذعان داشت که پیش از آن‌که دست‌اندرکاران هنر هشتم در هالیوود، شمشیرهای نورانی خود در جنگ ستارگان را بر رخ جهانیان بکشند، ایرانیان در دنیای واقعی از سلاح‌های نورانی استفاده می‌کرده‌اند که کارکرد اصلی آنها، نه از پای درآوردن دشمن، بلکه جلوگیری از خونریزی بود. چارآیین، این ابزار جنگی ناشناخته، بخشی از میراث گران‌بهای ماست که نیاز به پژوهش و معرفی بیشتر دارد تا جنبه‌ای دیگر از نبوغ و هنر ایرانی را به جهانیان معرفی نماید.

نگاه قدسی هنرمند به ریاضیات و هندسه، با اشکال متنوع و بدیعی به‌ویژه دایره و مربع و نمایان کردن آن به بهترین وجه بر سطح اثر، منجر به خلق آثاری شد که برای انسان عصر حاضر مملو از شگفتی و رمز و راز است. در معماری اسلامی، نقوش هندسی، نمادهایی فراتر از ابزارهای فنی هستند؛ هنرمند مسلمان توانسته با بهره‌گیری به‌جا از علم هندسه، نقوشی بیافریند که در عین سادگی، با بیان نمادین و رمزهای نهفته در خود به این قابلیت دست پیدا کند که ساعت‌ها ذهن بیننده در جهت جلوه آفرینش محو خود نماید؛ نماد در دین اسلام از طریق ارتباط معنوی و تحت شعاع اذکار الهی، راه اصلی و مستقیم قربتاً الی الله را پیمود. به عبارتی در هنر اسلامی و بازی نور و شکل و رنگ، چشم و عقل فراتر از فضای محدودش سیر می‌کنند و رابطه‌ای عمیق بین معبود و معشوق را رقم می‌زنند.

تلفیق کارکرد و معنا در شرق، پیشینه‌ای چند هزارساله دارد. هنرمندان و افزارگران در حین ساخت یک شیء یا کالا و ابزار، علاوه بر بُعد کاربردی آن، توجه زیادی به جنبه هنری و معنوی آن داشتند. یکی از این موارد را باید در همین چارآیین‌ها دانست. اگرچه بنا بر بررسی‌های به‌عمل آمده، اشکالی از این نوع ابزار نظامی در جهان باستان هم موجود بوده، اما تکامل آن و مرتبط کردنش با معنویت، به دست هنرمندان ایرانی انجام پذیرفت. آنان توانستند سلاح‌هایی را بیافرینند که هیچ خونریزی در پی نداشت؛ بی‌هیچ زحمتی استفاده می‌شد و حتی ممکن بود با ایجاد بازدارندگی، مانع

پی‌نوشت‌ها

محمدقاسم بن محمد میرک حسینی از کاتبان خوشنویسی گمنام قرن ۱۱ است و به خط وی یک نسخه حدیقه‌الحقیقه سنایی دارم که به قلم خفی خوش نوشته است و چنین تمام می‌شود: تمت الكتاب بعون الملك الکریم الوهاب، علی يد العبد المذنب الراجی محمد قاسم بن محمد میرک الحسینی الاستادی فی شهر سنه ۱۰۵۱ (بیانی، ۱۳۶۲، ۸۱۱).

4 Olearius Adam.

۵ لازم به ذکر است که در این تصویر، ستاره هشت‌پر مورد نظر ما در قابی

۱ رستمینه به‌غلط نام سزارین بر خود گرفته است.
۲ این شاهنامه سابقاً در مجموعه‌ای شخصی به سر می‌برده و توسط موقوفه‌ای ناشناس به این موزه اهدا گردیده، تمامی تصاویر نسخ خطی این موزه و همچنین فهرست توصیفی آن به همت و کمک‌های مالی سخاوتمندانه بنیاد علوم انسانی صورت گرفته است و به‌صورت PDF بر روی صفحه موزه به آدرس اینترنتی (www.art.the.walters.org) قرار دارد.

۳ بیانی در کتاب خود از این خوشنویس این‌گونه یاد کرده است:

هشت ضلعی نهان است.

۶ دهخدا ذیل واژه چارآیینه.

۷ نقش موردنظر از نظر روان شناسی نیز مورد توجه است چراکه یونگ اعتقاد دارد در هنر، دایره اغلب هشت پر است و این نشان دهنده ی انطباق متقابل چهار عملکرد خودآگاه است که موجب پیدایش چهار عملکرد میانجی دیگر می گردد (یونگ، ۱۳۹۵، ۳۶۷).

۸ امروزه نیز درجات برخی یگان های نظامی کشورمان، متشکل از ستاره های هشت پر است. این که پس از سپری شدن چندین قرن، ستاره های هشت پر با هم جای خود را بر روی پوشاک نظامیان باز کرده اند، جای شگفتی دارد. البته روشن است که کارکرد فیزیکی سلاح های موسوم به چارآیینه که موضوع سخن ماست، متفاوت از علائم نظامی کنونی است. ۹ مریم عذرا «ستاره دریا»، نیز تاجی بر سر دارد که دایره کوچکی مرکب از ستارگان بر روی آن قرار داشت. در تمثیلات دوره رنسانس تاجی از ستاره بر سر اورنیا (Urania) الهه ستاره شناسی است (هال، ۱۳۹۴، ۲۱۱).

۱۰ الْمَلِكُ عَلَى أَزْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ (سوره حافه آیه ۱۷). امام جعفر صادق (ع) در حدیثی فرموده است که عرش الهی دارای هشت رکن اساسی و بر هر رکن فرشتگان بی شماری در حال تسبیح هستند «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (ع) قَالَ لَهُ ثَمَانِيَةٌ أَرْكَانٍ عَلَى كُلِّ رُكْنٍ مِنْهَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ مَا لَا يَخْصِي عَدَدَهُمْ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَسْبِحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْئُتُونَ وَ لَوْ حَسَّ شَيْءٌ مِمَّا فَوْقَهُ مَا قَامَ لِذَلِكَ طَرْفَةٌ عَيْنٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْإِحْسَاسِ الْجَبْرُوتِ وَ الْكِبْرِيَاءِ وَ الْعَظْمَةِ وَ الْقُدْسِ وَ الرَّحْمَةِ ثُمَّ الْعِلْمُ وَ لَيْسَ وَرَاءَ هَذَا مَقَالٌ» (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ۳۲۷).

۱۱ این حدیث به فرموده امام جعفر صادق (ع) می باشد «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ أَحْسَبُوا الظَّنَّ بِاللَّهِ وَ اعْلَمُوا أَنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ عَرْضُ كُلِّ بَابٍ مِنْهَا مَسِيرَةٌ أَرْبَعِينَ سَنَةً» (ابن بابویه، ۱۳۸۲، ۴۷۳).

۱۲ چنین چیزی ظاهراً هنگامی که باغ ها پیرامون مرقدی باشند بسیار مشهود است زیرا قرآن باغ هایی را که رودها زیر آن جاری هستند را وعده داده است این طراحی می تواند نشان از سعادت بهشتی باشد (شیمیل، ۱۳۹۵، ۱۷۲). «وَرَبَّنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍّ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ وَ قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبِّنَا بِالْحَقِّ وَ نُودُوا أَنْ تُلْكُمُ الْجَنَّةُ أَوْرِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (سوره اعراف، آیه ۴۳).

۱۳ مربع از چهار ضلع مساوی تشکیل شده؛ چهار نمادی از وحدت و عمومیت است. در اشتراک با مربع، این عدد نمادی از ثبات و استواری و از نظر فیثاغورس، نمادی از کمال می باشد چون اولین عدد مجذور است (میراندابوروس، ۱۳۹۴، ۲۹۸). از طرفی، آرایش مفهومی روح جهانی متجلی در صفات فعال طبیعت (گرم، سرد، تر، خشک) و صفات منفعل ماده (آتش، آب، هوا و خاک) بازتاب می دهد (اردلان و بختیار، ۱۳۹۰، ۷۹). البته این عدد در اسلام هم نقش مهمی را برعهده دارد به طور مثال صوفیان اعتقاد دارند که عروج به لاهوت ۴ مرحله است شریعت، طریقت، حقیقت و معرفت. انسان از ناسوت و از طریق ملکوت و جبروت به لاهوت سیر می کند (شیمیل، ۱۳۹۵، ۱۰۷).

فهرست منابع

قرآن کریم (۱۳۷۵)، ترجمه مهدی الهی قمشه ای، انتشارات اسوه، تهران. آژند، یعقوب (۱۳۸۵)، مکتب نگارگری اصفهان، انتشارات فرهنگستان هنر، تهران.

ابن بابویه، محمدبن علی (۱۳۸۲)، خصال شیخ صدوق، ترجمه یعقوب جعفری، جلد ۲، انتشارات نسیم کوثر، قم.

اردلان، نادر و لاله بختیار (۱۳۹۰)، حس وحدت، سنت عرفانی در معماری

اسلامی، ترجمه و نداد جلیلی، انتشارات علم معمار، تهران. امامی، صابر (۱۳۸۱)، نماد و تمثیل، تفاوت ها و شباهت ها، کتاب ماه هنر، شماره ۴۷ و ۴۸، ۶۰-۶۸.

اوستا (بی تا)، پیشتها، تفسیر و تألیف پورداوود، انتشارات انجمن زردشتیان، بمبئی و ایران.

بیانی، محسن (۱۳۶۳)، احوال و آثار خوشنویسان، انتشارات علمی فرهنگی، تهران.

بی نام (۱۹۹۸)، الزخارف علی المدخل و الابواب و النوافذ، مشروع تنظیم و اداره المدينة القديمة اطرابلس، بیروت.

پورتر، ونتیا (۱۳۸۱)، کاشی های اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران.

خاقانی، شروانی (۱۳۸۸)، دیوان اشعار، به کوشش ضیاءالدین سجادی، انتشارات زوار، تهران.

دورانت، ویل (۱۳۳۷)، تاریخ تمدن یونان باستان، جلد دوم، انتشارات فرانکلین، تهران.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۶)، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران. رضوی، کیشور (۱۳۹۴)، شاهنامه نگاری مبتنی بر ویژگی های شخصی شاه عباس اول، ترجمه مصطفی لعل شاطری، انتشارات نی نگار، مشهد.

ژیان، فیلیکس و دیگران (۱۳۷۵)، اساطیر آشور و بابلی، ترجمه ابوالقاسم اسماعیلی پور، انتشارات فکر روز، تهران.

شیمیل، آنه ماری (۱۳۹۵)، راز اعداد، ترجمه فاطمه توفیقی، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم.

کن بای، شیلا (۱۳۹۱)، نقاشی ایرانی، ترجمه مهدی حسینی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

کیانمهر، قباد و محمد خزایی (۱۳۸۵)، مفاهیم و بیان عددی در هنر گره چینی صفوی، کتاب ماه هنر، شماره ۹۱ و ۹۲، ۲۶-۳۹.

میراندابوروس، میتفورد (۱۳۹۴)، دایره المعارف مصور نمادها و نشانه ها، ترجمه معصومه انصاری و حبیب بشیر پور، انتشارات سایان، تهران.

ویلسون، اوا (۱۳۷۷)، طرح های اسلامی، ترجمه محمدرضا ریاضی، انتشارات سمت، تهران.

هال، جیمز (۱۳۹۴)، فرهنگ نگاره ای نمادها در هنر شرق و غرب، ترجمه رقیه بهزادی، انتشارات صدای معاصر، تهران.

یونگ، کارل گوستاو (۱۳۹۵)، انسان و سمبول هایش، ترجمه محمد سلطانیه، انتشارات جامی، تهران.

سایت های اینترنتی

https://www.bibliotecapleyades.net/vimanas/esp_vimanas.11c.htm

<http://history-of-macedonia.com/sun-of-vergina>

<http://www.metmuseum.org/art/collection/search/35949>

<http://swordmaster.org/2012/12/31/russkie-dospehi-i-oru-zhie.html>

http://www.thedigitalwalters.org/Data/WaltersManuscripts/W602/data/W.602/sap/W602-000280_sap.jpg

http://www.thedigitalwalters.org/Data/WaltersManuscripts/W602/data/W.602/sap/W602-000809_sap.jpg

http://www.thedigitalwalters.org/Data/WaltersManuscripts/W602/data/W.602/sap/W602-000924_sap.jpg

<http://natmus.dk/historisk-viden/danmark/oldtid-indtil-aar-1050/bronzealderen-1700-fkr-500-fkr/bronzealderens-skjolde/hoppende-rituelle-danse>